

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بحث در حقیقت مجاز بود و گفتیم مجموعاً سه نظریه در آن وجود دارد:

الف- مشهور: استعمال لفظ به اراده استعمالی در غیر ما وضع له مجاز و استعمال لفظ در موضوع له خود حقیقت است.

ب- سکاکی: در مجاز، لفظ هم در اراده جدی و هم در اراده استعمالی در ما وضع استعمال می‌شود اما متکلم ادعا می‌کند که معنای مجازی فردی از افراد ما وضع له است.

ج- مرحوم مسجدشاهی(ره): لفظ به اراده استعمالی در ما وضع له و به اراده جدی در معنای مجازی استعمال می‌شود. البته بنابر برداشت مرحوم امام (ره)، طبق این مبنا نیز مسئله ادعا وجود دارد. اما به نظر ما چنین نیست و از کلمات ایشان چنین مطلبی قابل برداشت نیست.

ثمرات مترتب بر مبنای سوم

علیرغم این‌که مرحوم صاحب منتقى الاصول(ره) می‌فرماید: بر این بحث ثمره‌ای مترتب نمی‌باشد، اما ظاهراً چنین نیست و بر این بحث ثمرات مهمی مترتب می‌باشد:

ثمره اول: طبق مبنای مرحوم اصفهانی(ره)، به این جهت که استعمال لفظ در غیر ما وضع له نیست و در کاری که واضع انجام داده است مداخله ننموده‌ایم و تنها می‌گوئیم اراده جدی به معنای مجازی تعلق گرفته است، لذا بحث از این‌که در استعمال مجازی نیاز به اذن واضع وجود دارد یا خیر مطرح نمی‌شود.

اما طبق نظریه مشهور از آن‌جا که واضع برای لفظ موضوع له خاصی را قرار داده است، اگر قرار باشد این لفظ در غیر موضوع له استعمال شود، شاید گفته شود نیاز به اذن واضع داشته باشیم؛ کما این‌که مرحوم محقق عراقی(ره) می‌فرماید: لازمه عدم اجازه از طرف واضع، خروج از استعمال می‌باشد؛ برای این‌که هر شخصی می‌تواند هر لفظی را در هر معنایی که خواست استعمال نماید.

مرحوم آخوند(ره) نیز در کفایة الاصول چون مبنای مشهور را قبول دارد، بحث را طبق آن مطرح نموده و می‌فرماید: در این‌که برای استعمال مجازی یعنی استعمال لفظ در غیر ما وضع احتیاج به اذن واضع وجود دارد یا اگر استعمال مطابق با ذوق سلیم باشد اختلاف وجود دارد.

ثمره دوم: مطلب معروف و متداولی در بحث استعمال وجود دارد که می‌گویند: استعمال اعم از حقیقت و مجاز است؛ به این بیان که اگر یک لفظ چند معنا داشته باشد و در کتب لغت تمام آن معانی ذکر شود نمی‌توانیم بگوئیم تمام آن معانی، معانی حقیقی آن لفظ می‌باشند. یا اگر متکلم آن لفظ استفاده نمود این شک وجود دارد که کدام از معانی حقیقی یا مجازی را اراده نموده است؟!

طبق مبنای سکاکی و مرحوم اصفهانی (ره) مجالی برای این قاعده باقی نمی‌ماند، برای این‌که تمام استعمالات حقیقی است و لفظ در هیچ موردی در غیر ما وضع له به کار نمی‌رود تا بگوئیم این استعمال حقیقی یا مجازی است؟!

ثمره سوم: طبق مبنای مرحوم اصفهانی (ره) مجالی برای بحث علائم حقیقت و مجاز نیز باقی نخواهد ماند. برای این‌که علائم در موردی مطرح می‌شوند که بخواهیم معنای حقیقی یا مجازی لفظ را تشخیص بدهیم. اما زمانی‌که بگوئیم تمام استعمالات لفظ در معنای حقیقی و در ما وضع است، نیازی به علائم حقیقت و مجاز نخواهیم داشت.

بررسی مبنای سوم

قبلاً اشکالات مبنای سکاکی بیان شد و واقع مطلب این است که عرفاً و وجداناً اشخاص در استعمالات مجازی به هیچ وجه در ذهن خود نسبت به معنای مجازی ادعائی ندارند و لذا شاید همین مطلب سبب شده است که مرحوم مسجدشاهی (ره) قول سکاکی را نپذیرد.

مرحوم مسجدشاهی (ره) برای مبنای خود به وجدان سلیم، اشعار شعرای عرب و غیر عرب، مجاز مرکب (اراک تقدم رجلاً و تؤخر آخری) و به جمله «زید شجاع بل أسد» تمسک نمودند. هر چند در بدو ادله‌ای که ایشان اقامه نمودند متقن به نظر می‌رسد اما به نظر ما ادله ایشان قابل خدشه می‌باشند.

روشن است که جمله «زید شجاع بل أسد» مبالغه در شجاعت است نه این‌که اسد در خود حیوان مفترس استعمال شده باشد و اراده جدی آن به رجل شجاع تعلق پیدا کرده باشد.

اشکال اصلی نسبت به مبنای مذکور این است که نظریه فوق مبتنی بر وجود دو اراده یعنی اراده استعمالی و اراده جدی است و به نظر ما این تفکیک در استعمالات و محاورات عرفی صحیح نمی‌باشد و عرف چنین تفکیکی ندارد. در بحث عام که مرحوم آخوند (ره) این مسئله را مطرح نموده‌اند، مفصل به این مطلب پرداخته و آن را رد نموده‌ایم.

توضیح مطلب این‌که عرف در استعمالات خود نمی‌گوید من «أسد» را به اراده‌ی استعمالی در حیوان مفترس و به اراده جدی در رجل شجاع استعمال نمودم.

در عرف تنها اراده جدی وجود دارد و اگر در مقام بیان مثلاً خواب باشد یا شوخی کند، یا اراده‌ای ندارد و یا اگر داشته باشد اراده جدی است که مطابق با واقع نمی‌باشد.

برخی برای اثبات تفکیک بین دو اراده به مسئله شوخی استناد نموده و می‌گویند: اگر اراده استعمالی نباشد شوخی محقق نمی‌شود. اما این نکته وجود دارد که در شوخی اراده جدی از سوی متکلم وجود ندارد.

به نظر ما در شوخی نیز دو اراده وجود ندارد؛ یعنی یک اراده که اراده جدی است موجود می‌باشد اما مطابق با واقع نیست و

متکلم نیز به این مسئله علم دارد.

شوخی بدون اراده جدی محقق نمی‌شود اما جدّی است که واقعیت ندارد؛ مثل این‌که صرف نظر از مباحث معارفی به صورت جدی بگوئیم این دیوار سمیع است.

در روایاتی که مربوط به کذب است چنین وارد شده‌است که از کذب چه به شوخی و چه جدی پرهیز نمائید. اگر در کذب شوخی، اراده جدی نباشد نباید اشکالی باشد چون کالعدم است. پس معلوم می‌شود در شوخی کذب هم اراده جدی وجود دارد اما مطابقت با واقع ندارد.

در هر صورت اگر تفکیک بین الارادتين را بپذیریم کما این‌که مرحوم آخوند(ره)، مرحوم امام(ره)، مرحوم والد ما(ره) و مرحوم آقای بروجردی(ره) پذیرفته‌اند، مبنا مرحوم اصفهانی(ره) در این بحث تعین دارد.

اما اگر تفکیک بین الارادتين را نپذیرفتیم کما این‌که مختار ما چنین است، در بحث مجاز حق با مشهور می‌باشد؛ یعنی معنای مجاز استعمال در غیر ما وضع له می‌باشد.

و صَلَّی اللّٰه عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ